

# علم أصول الفقه

٤٧

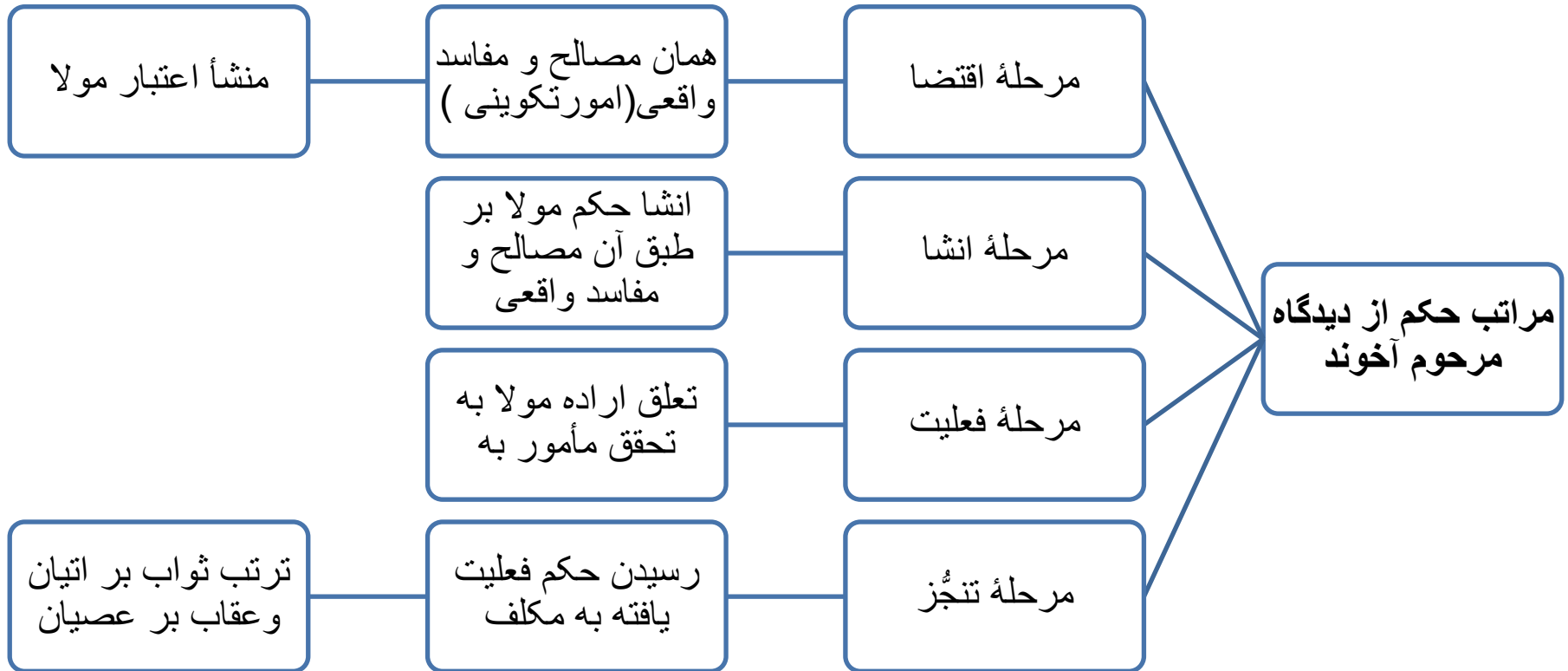
١٤-١٠-٩٥ اوامر

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

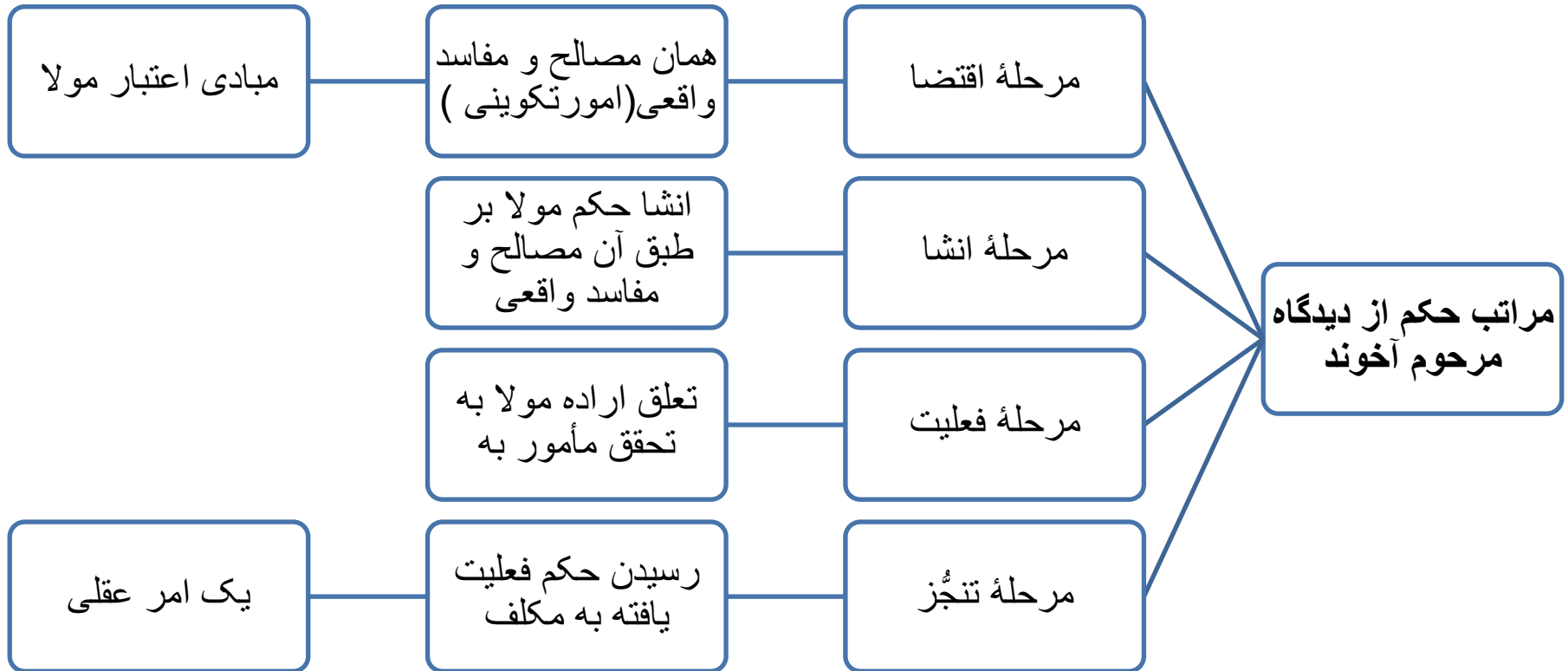
آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- ۱. آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟
- آیا در جایی که آمر می داند شرط امر او حاصل نیست و در نتیجه مأمور به هم حاصل نخواهد شد، می تواند به چیزی امر کند یا خیر؟
- خواه آمر در مقام امر، آن شرط را به صراحت ذکر می کند و خواه آن را به صراحت ذکر نکند.

# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



ملاک

اراده

اعتبار

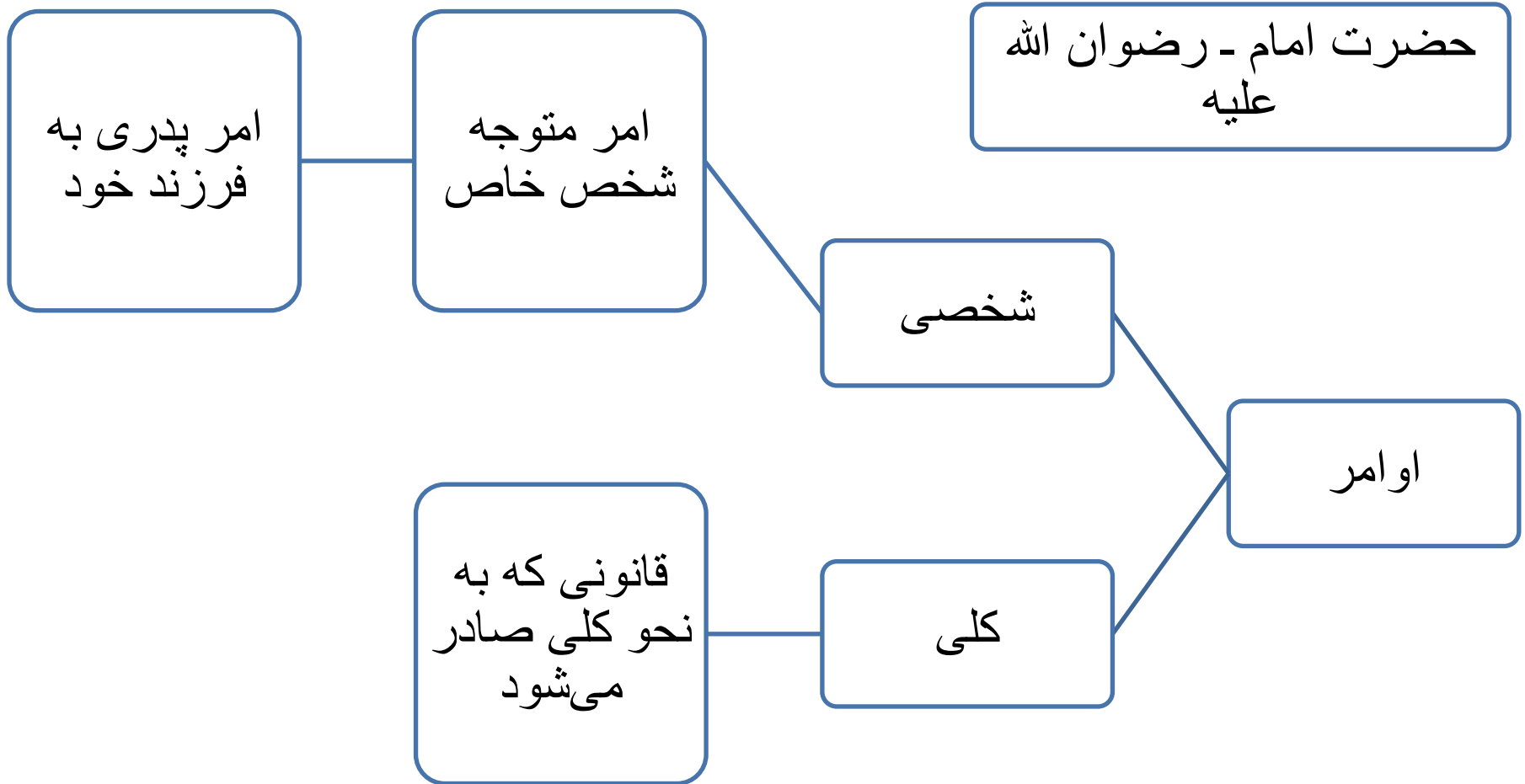
ابراز

احراز

تنجز<sup>۳</sup>

مراحل حکم

# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



آیا امر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

حضرت امام - رضوان الله  
عليه

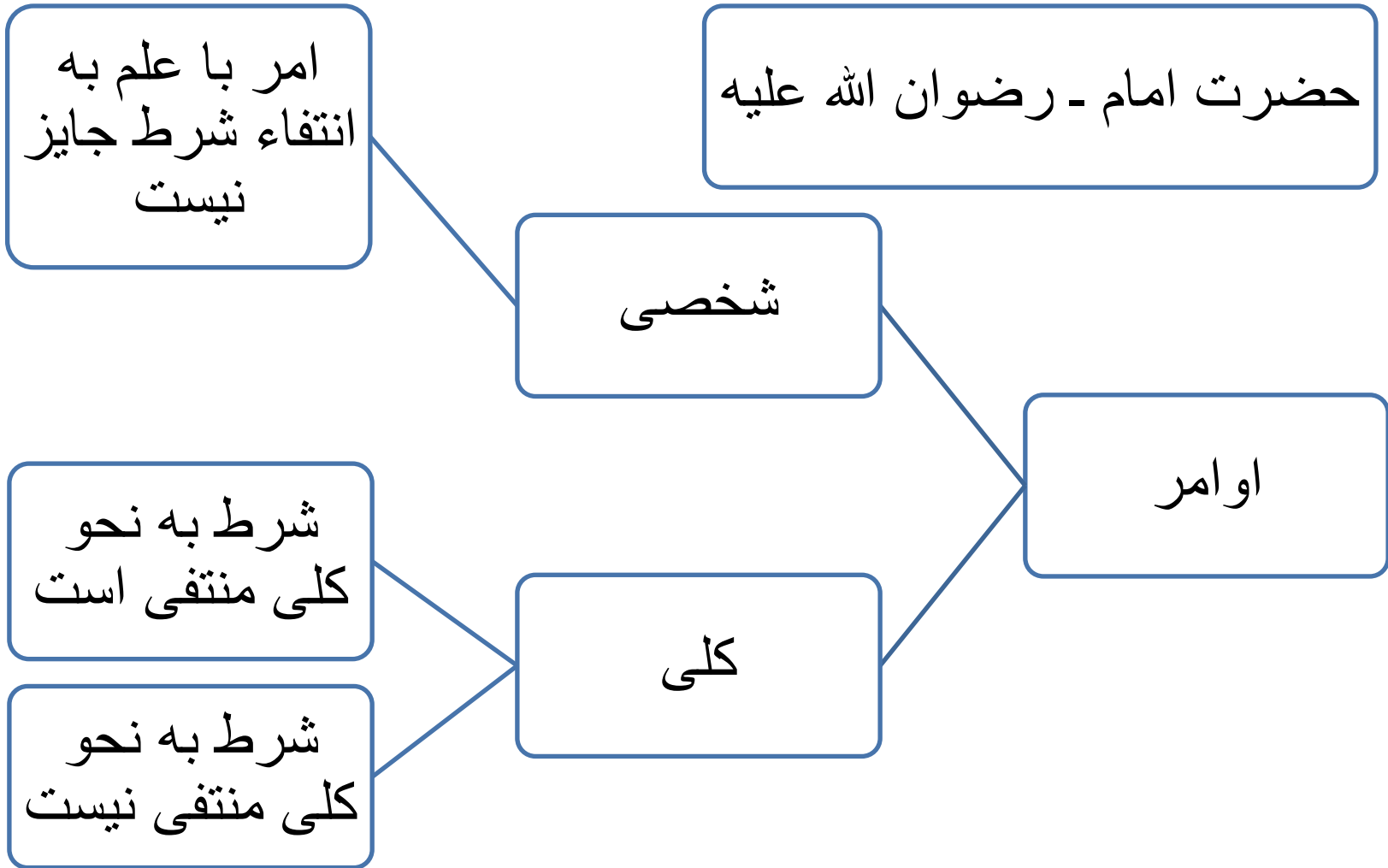
امر با علم به  
انتفاء شرط  
جایز نیست

شخصی

کلی

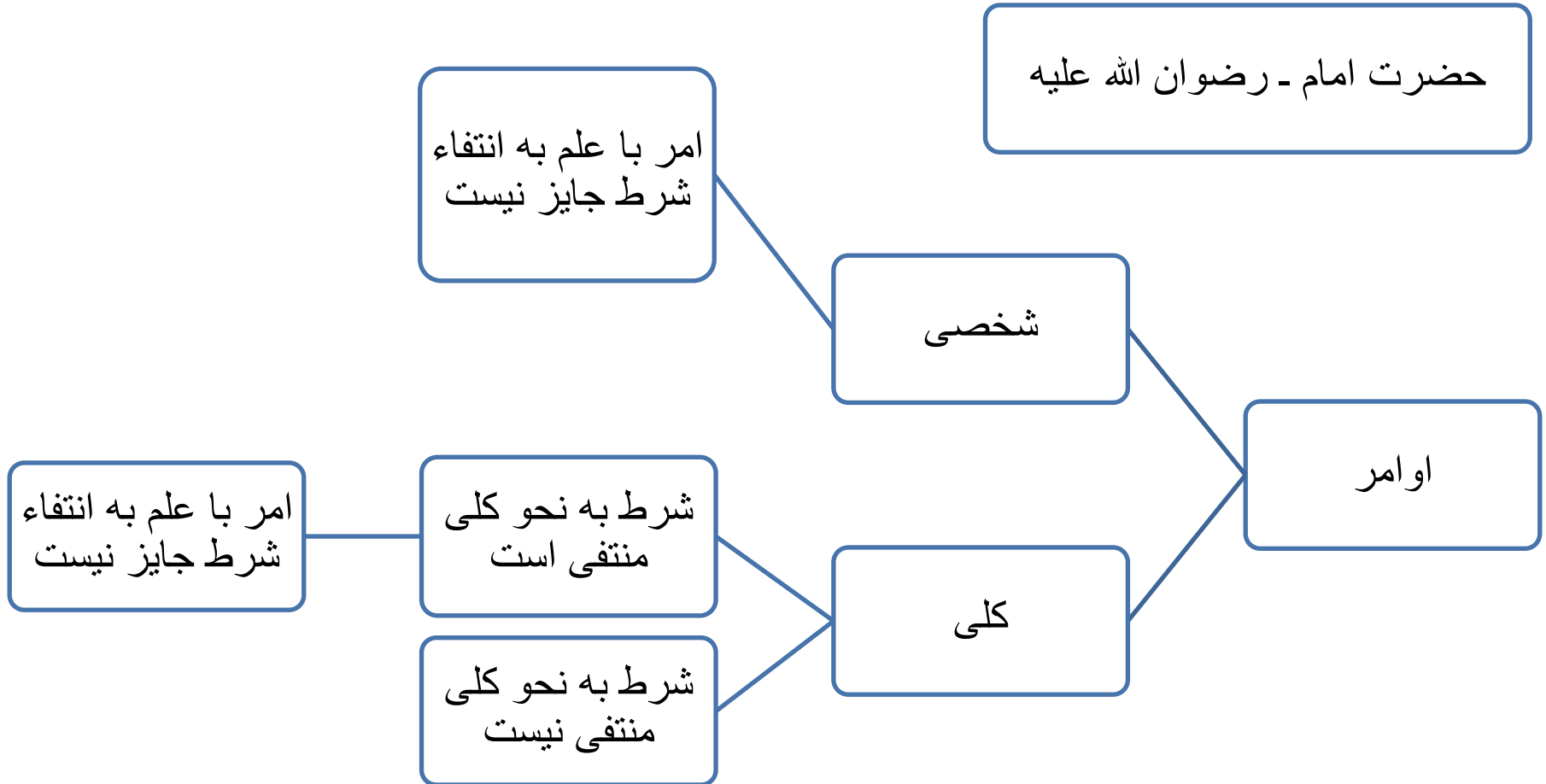
او امر

# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

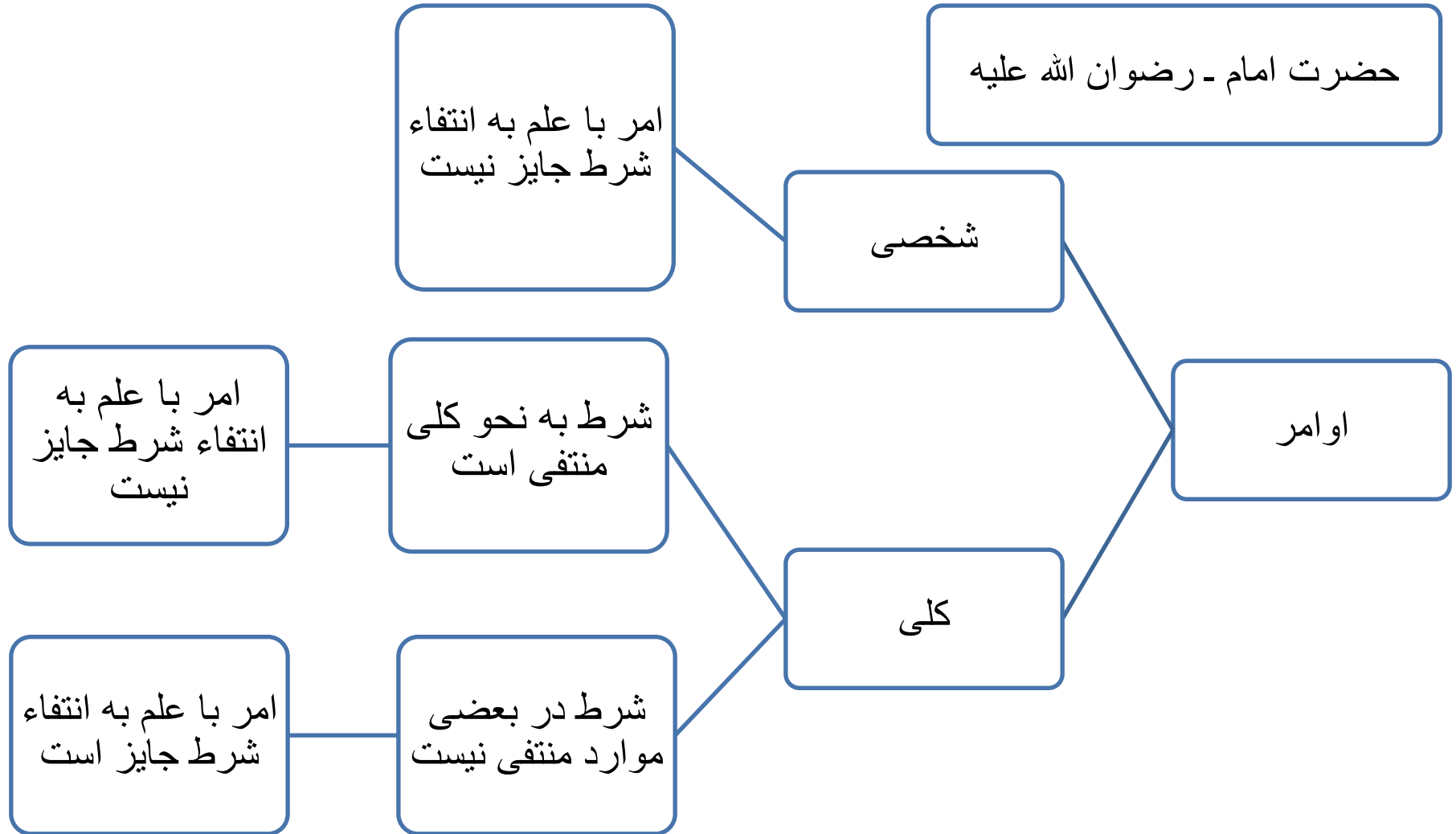




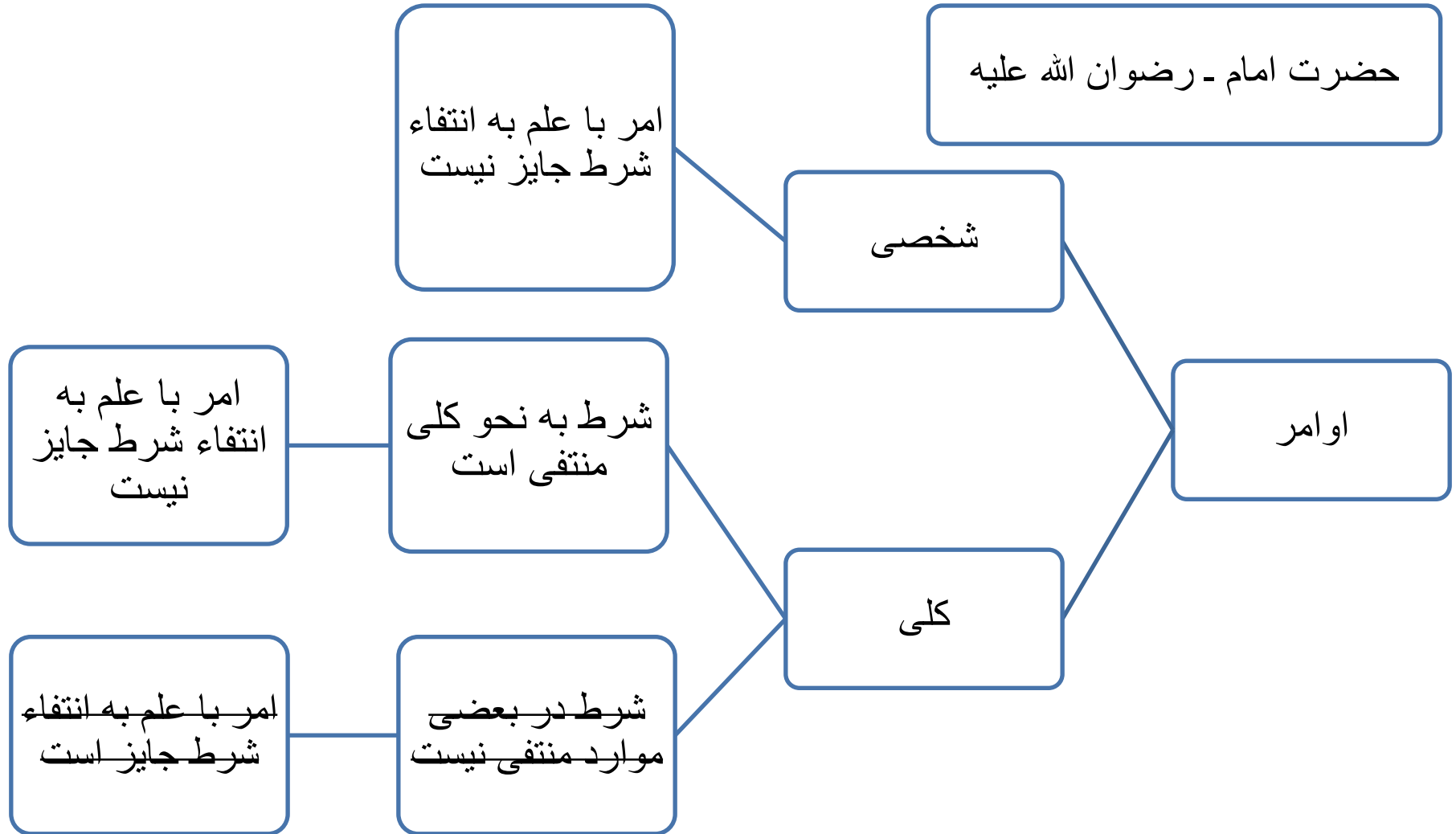
# آیا امر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



# آیا امر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



# آیا امر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



آیا امر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

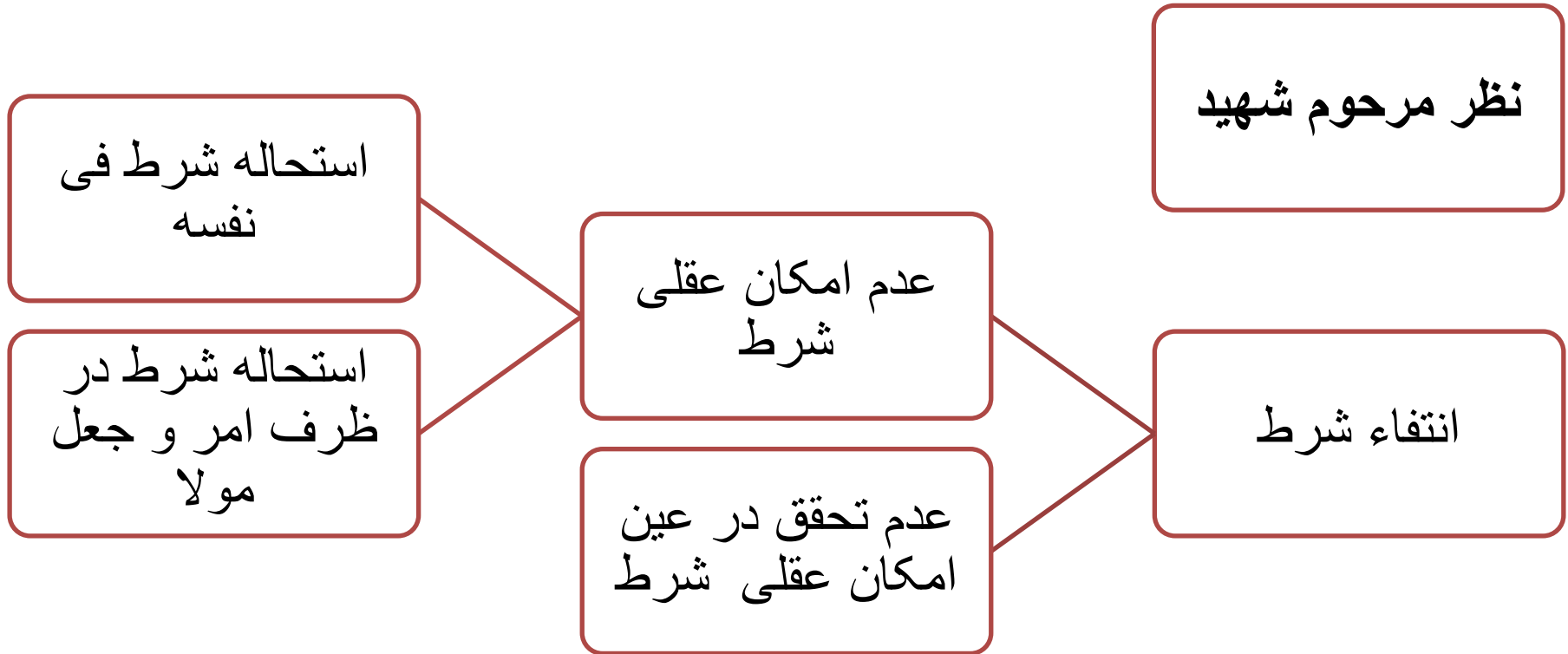
نظر مرحوم شهید

انتفاء شرط

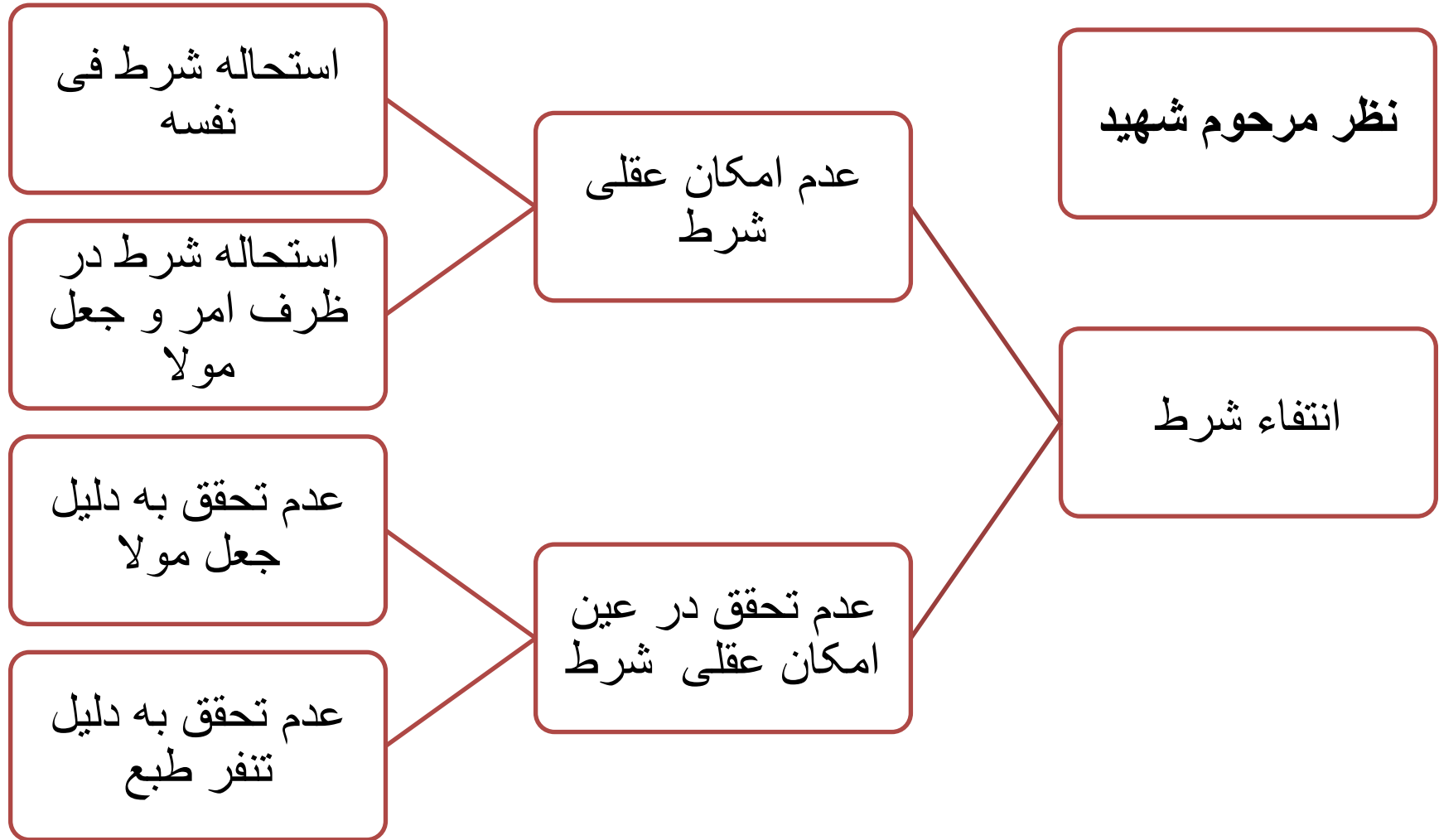
عدم امکان عقلی  
شرط

عدم تحقق در عین  
امکان عقلی شرط

# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



نظر مرحوم شهید

انتفاء شرط

عدم امکان عقلی  
شرط

عدم تحقق در عین  
امکان عقلی شرط

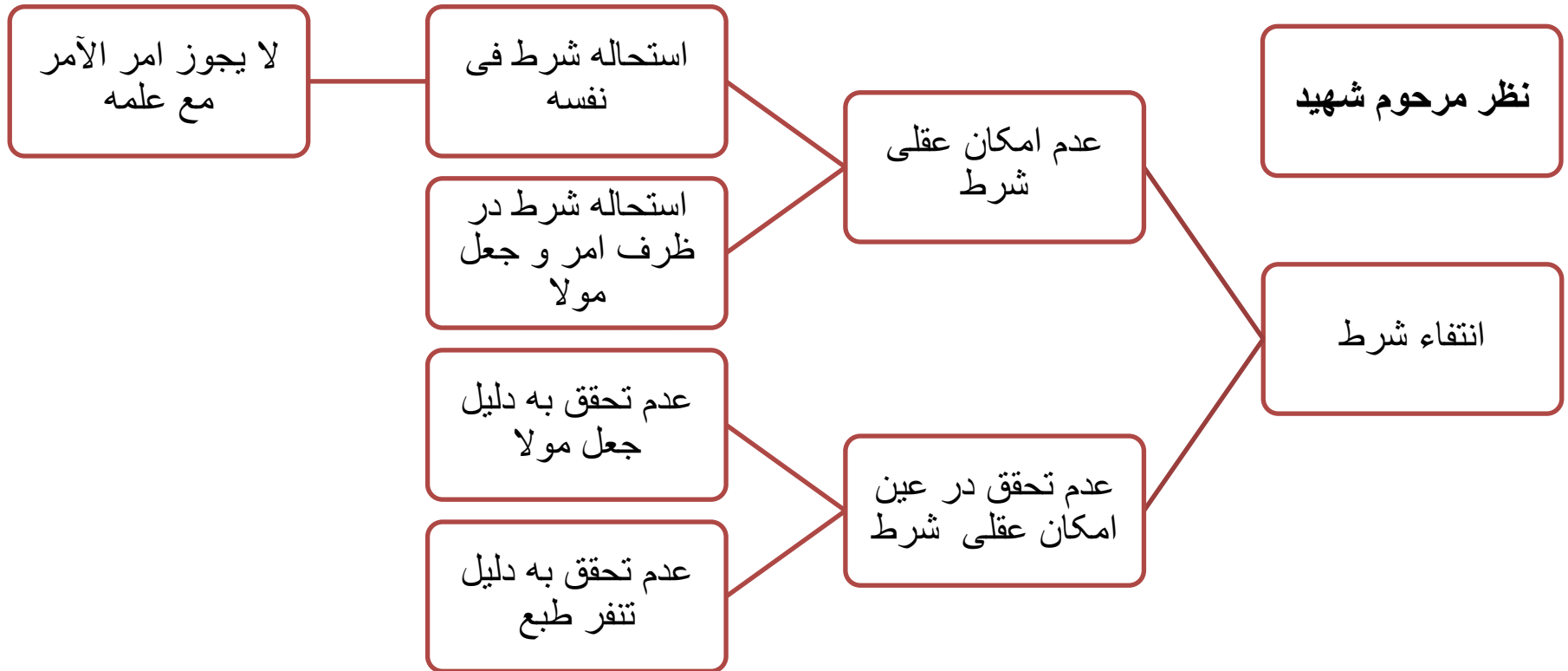
استحاله شرط فی  
نفسه

استحاله شرط در  
ظرف امر و جعل  
مولا

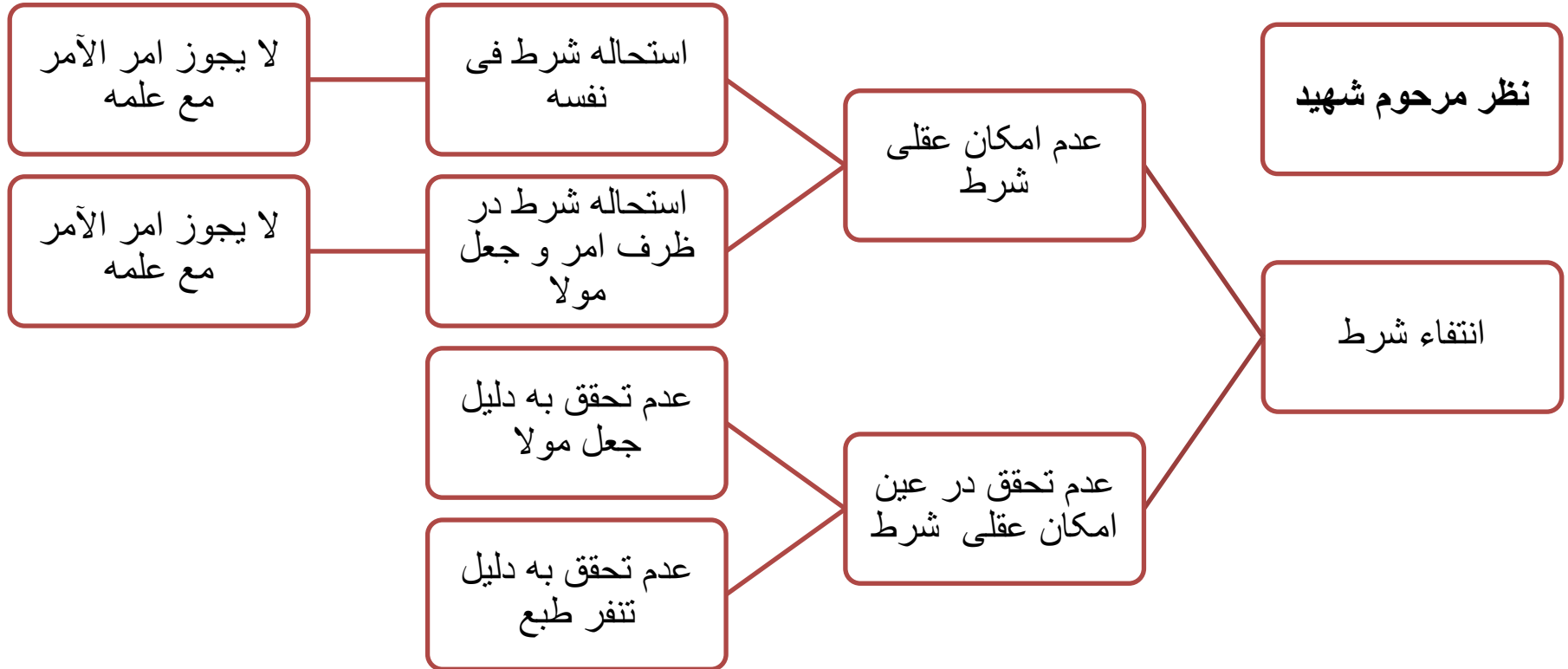
عدم تحقق به دلیل  
جعل مولا

عدم تحقق به دلیل  
تنفر طبع

# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

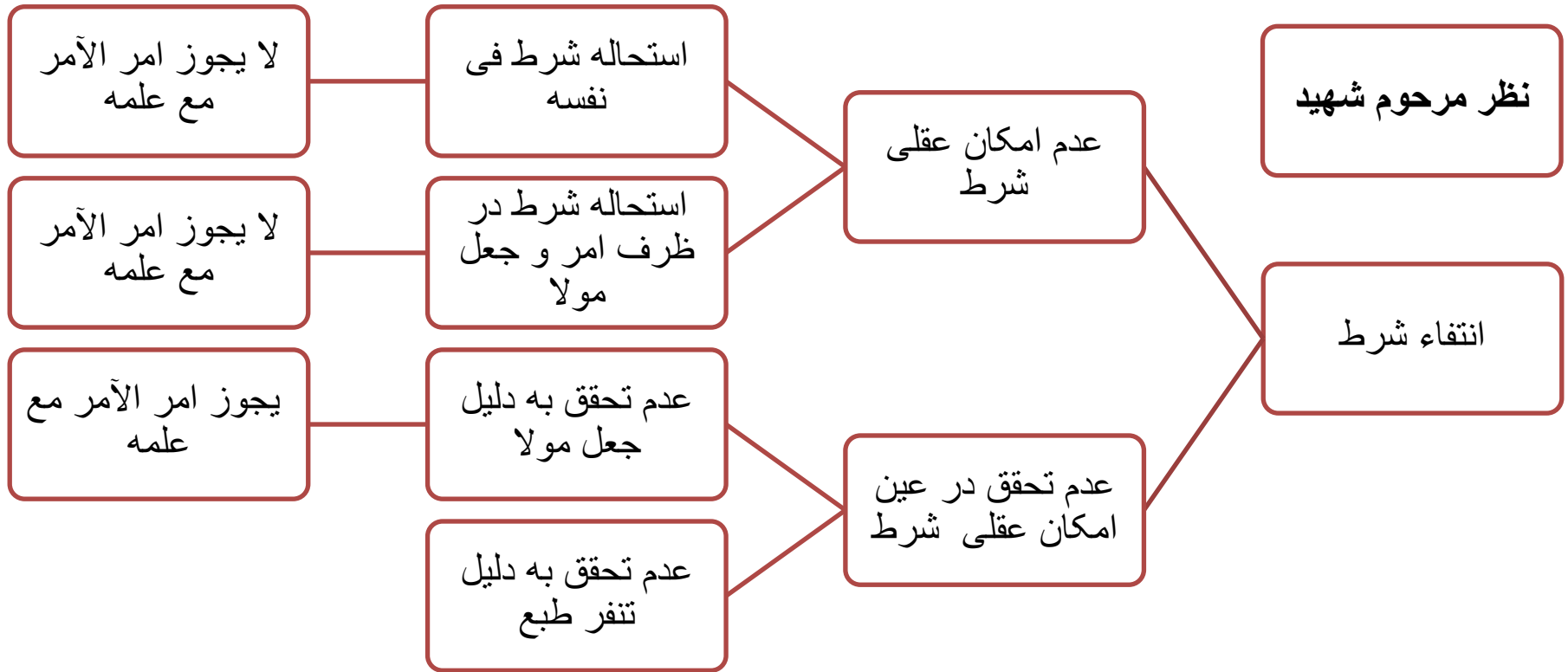


# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

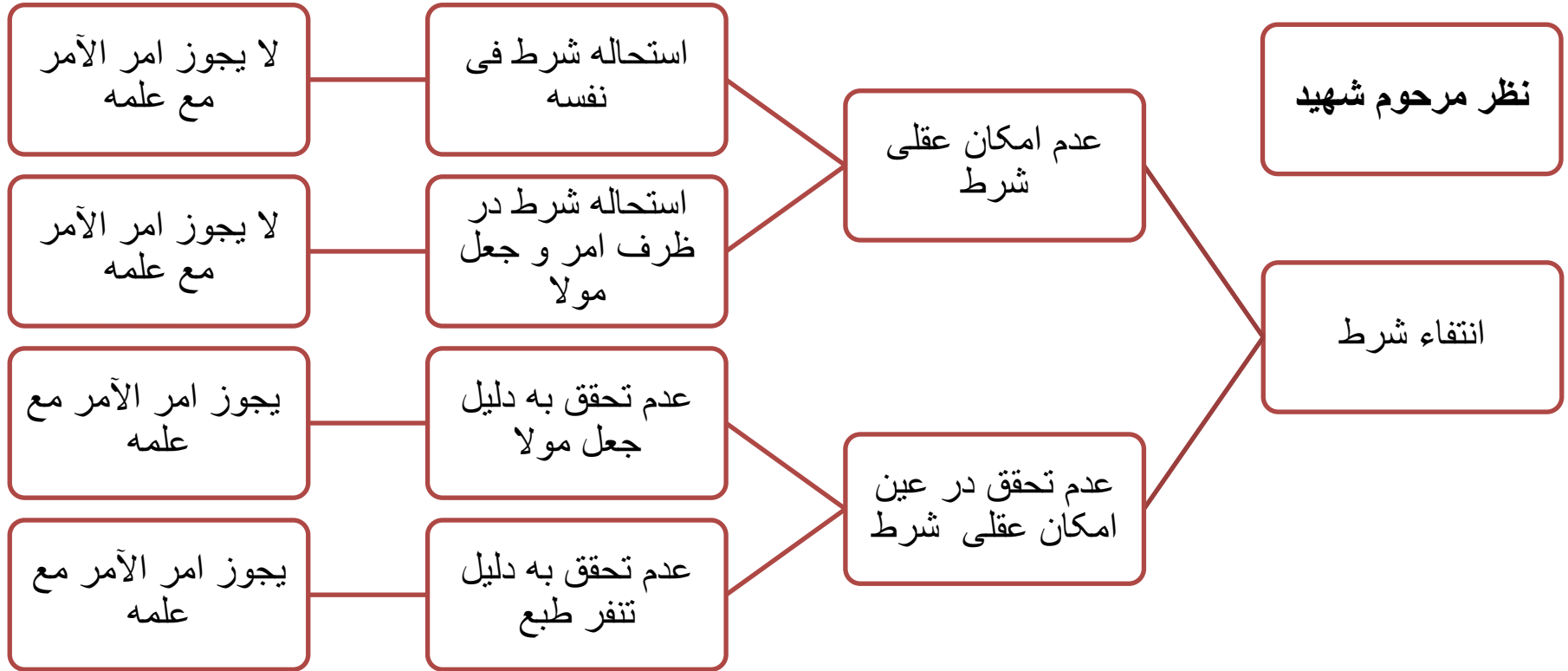




# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



# آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟



آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

نظر مرحوم شهید

لا يجوز امر الأمر  
مع علمه

عدم امکان عقلی  
شرط

يجوز امر الأمر  
مع علمه

عدم تحقق در عین  
امکان عقلی شرط

انتفاء شرط

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- بیان ایشان به این مقداری که در تقریرات آقای هاشمی - حفظه الله - آمده است، نمی تواند بیان صحیحی باشد؛ زیرا مسأله این است که امر مشروط به شرطی است که آن شرط به دلیل مخالف طبع بودن هرگز تحقق پیدا نمی کند.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- از شهید صدر - رضوان الله علیه - می پرسیم چرا شارع چنین امری را صادر می کند، ایشان جواب خواهند داد برای اینکه می خواهد زمینه امتثال و در نتیجه زمینه ثواب فراهم شود.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- آن گاه گفته می شود این امر اصلاً امتثال نمی شود؛ چون امتثال این امر منوط به تحقق شرطش است و فرض این است که شرطش به دلیل مخالف طبع بودن هرگز حاصل نمی شود.
- شاید شهید صدر - رضوان الله علیه - این نکته در ذهنش بوده است که اکل عذره نهی دارد و برای تحقق امتثال همین نهی کافی است و اصلاً نیازی به این امر نیست.
- اما این مطلب اینجا معنا ندارد؛ چون نسبت به اکل عذره نهی نیامده است.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- در هر حال از بحث شهید صدر - رضوان الله علیه - می شود نتیجه گرفت که بیان مرحوم آخوند به نحو مطلق درست نیست؛ یعنی نمی توان گفت هرگاه آمر عالم است به انتفاء شرط امرش باشد، امر کردن جایز نیست. ما می توانیم لاقلاً بعضی از فروض را پیدا کنیم که آمر می داند شرط امرش منتفی است و در همان حال می تواند امر کند. واضح ترین آن ها همان فرضی است که شهید صدر مطرح کرد؛ جایی که خود آمر می داند که امر او مانع از تحقق شرط امر می شود مثل مسأله کفارة جمع.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- فرض دیگر برای بحث
- یک فرض دیگری هست که می شود آن را ذیل همین فرض یا به عنوان یک فرض جداگانه مطرح کرد.



آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- فرض این است که آمر می داند شرط امر محقق نیست اما مأمور نمی داند که شرط محقق نیست و به تعبیر دیگر علم به انتفاء شرط در ناحیه آمر است نه مأمور.
- آیا در اینجا امر آمر معنا دارد؟
- جواب می دهیم بله؛ چون از نظر مأمور شرط این امر ممکن الحصول است.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- اساساً اوامر امتحانی همین گونه اند. در این نوع اوامر وقتی که آمر امر می کند، به ظاهر، خود مأمور به مطلوب او است؛ هر چند که در واقع مأمور به برای او مطلوبیت ذاتی ندارد و فقط می خواهد با این امر عبد را امتحان کند.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- اما این امتحان وقتی امکان دارد که عبد عالم به انتفاء شرط نباشد و گرنه امتحان معنا ندارد؛ مثلاً اگر ابراهیم - علیه السلام - و اسماعیل - علیه السلام - می دانستند که اصلاً ذبحی اتفاق نخواهد افتاد، امتحان صبر و رضای آن دو معنا نداشت.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- امتحان وقتی است که امر از ناحیه مولا به مأمور به تعلق گرفته و مأمور باید آن را اتيان کند ولی مأمور نمی داند که این امر حاصل نخواهد شد و بعد نسخ خواهد شد.

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- اساساً یکی از شرایط برای اینکه امر تا مقام امتثال باقی بماند، این است که در ادامه نسخ نشود.
- شاید شهید صدر - رضوان الله علیه - ناظر به این فرض بوده است که در آن زمینه برای امتثال فراهم می شود؛ یعنی عبد تلاش می کند مأمور به را تحقق ببخشد؛ هر چند شرطش حاصل نمی شود و نمی تواند مأمور به را محقق کند. اما خود تلاش وی انقیاد است و ثواب به آن تعلق می گیرد.

## آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- . كفاية الأصول، ص ۱۳۷.
- . جایز نیست یعنی محال است.
- . مرحوم نائینی دو مرحله برای حکم برشمرده است که اسم یک مرحله را جعل و اسم مرحله دیگر را مجعول گذاشته است. مرحله جعل آن است که حکم به نحو قضیه حقیقی اعتبار می شود. مرحله مجعول آن است که مصداق حکم در خارج پیدا می شود؛ مثلاً شارع می گوید «الماء اذا بلغ قدر کر فلا ینجسه شیء»: آب اگر به مقدار کر رسید، به ملاقات با چیزی نجس نمی شود. ممکن است وقتی شارع این حکم را جعل می کند، اصلاً آب کوری وجود نداشته باشد و این هیچ تأثیری در جعل شارع ندارد؛ چون وی ناظر به واقع خارجی و آب های موجود هنگام جعل نیست. به اصطلاح قضیه جعل حکم در اینجا قضیه خارجی نیست، بلکه حقیقه است. این همان مرحله جعل است. هر وقت آب کوری پیدا شد، آن موقع این حکم مصداق پیدا می کند. این همان مرحله مجعول است.

## آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- . بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۳۷۹ - ۳۸۰.
- . قانون امر اعتباری و از مشخصه های زندگی بشری است. حیوانات قوانین به معنای اعتبارات ندارند. قوانین به عنوان تشریحات، خصوصیات انسانی است. دین از این خصوصیات انسانی بهره برده است. تشریحات دینی، همان تشریحات الهی است که برای ساماندهی رفتار بشری شکل گرفته است. بنابراین تمام احکام تشریحات عقلائی را دارد. این طوری نیست که خصوصیاتش با خصوصیات تشریحات عقلائی ذاتا متفاوت باشد؛ البته مصدر تشریح فرق می کند. مصدر تشریح در تشریحات عقلائی فهم انسان و توانایی های او است و مصدر تشریح در تشریحات الهی، علم خدا - تبارک و تعالی - است. تشریحات شارع در همان فضایی شکل می گیرد که عقلا تشریحاتی دارند. به همین سبب ما در تحلیل های مان شارع را به عنوان یک متشرع عقلائی در نظر می گیریم. از همین جا است که می گوییم اگر یک تشریحی عقلائیا زمینه ندارد، شرعا هم ممکن نیست؛ چون شارع خارج از آن دایرة عقلائی کاری نمی کند. اساسا اگر قرار بود شارع خارج از این دایره کار کند، این بحث های ما معنایش را از دست می داد.
- . دقت کنید که این محال عقلی با محال عادی فرق می کند. اینکه یک کودک نمی تواند تخته سنگ را بلند کند، یک محال عادی است و با مسأله ای که ما می گوییم فرق دارد. ما گفتیم یا شرط ذاتا محال باشد یا اینکه بر فرض امر به آن استحالة ذاتی پیدا کند. اما امر به کودک که تخته سنگ را بلند کن، نه ذاتا محال است نه بر فرض امر به آن، استحالة ذاتی پیدا می کند. بله وی زورش نمی رسد که بلند کند ولی از این جهت از بحث ما خارج است. بنابراین جایی که مولا می داند شرط امر تحقق پیدا نمی کند نه از باب استحالة ذاتی یا منتهی شدن به محال ذاتی، بلکه به دلیل دیگری مثل ناتوانی عبد ایا می تواند امر کند یا نه؟ جواب می دهیم بله می تواند.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۳۸۰.
- . همان.
- . ر.ک: بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۳۸۰.